

آتش و خشم

کاخ سفید ترامپ از درون

مایکل وولف
دکتر علی سلامی

ویراستار
مهدی سجودی مقدم



سرشناسه: ولف، مایکل، ۱۹۵۳ - م. Wolff, Michael
عنوان و نام پدیدآور: آتش و خشم: کاخ سفید ترامپ از درون/ مایکل وولف : [مترجم] علی سلامی : ویراستار
مهدی سجودی مقدم.
مهراندیش، ۱۳۹۶.

۴۲۸ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۳۴۰۰ ریال ۲۵۰۰۰۰

عنوان اصلی: Fire and fury: inside the Trump White House, 2018.

سلامی، علی، ۱۳۴۶ - مترجم

سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۴۰ - ویراستار

۵۰۴۶۶۶۸ ۹۷۳/۹۱۳۰۹۲ ۱۳۹۶ ۱۲/الف/۹۱۲ E



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «(» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که
به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های
خواندن در سبک متنی فارسی را نیز برطرف می‌کند.



آتش و خشم

کاخ سفید ترامپ از درون

مایکل وولف.

مترجم: دکتر علی سلامی.

ویراستار: مهدی سجودی مقدم.

صفحه آرایی: مهراندیش. چاپ: اول، تهران، ۱۳۹۶.

چاپ: قشقای۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۳۴۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۳۴۰۰



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت آنلاین و یا خشن، از
آن اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب
پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان ابوریحان، نرسیده به خیابان جمهوری، کوچه رازی، بن بست مینا، شماره ۴.

تلفن: ۶۶۴۸۹۳۶۵ - ۰۲۱ ۰۹۱۹۷۲۸۱۱۶۹ ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

@mehrandishbooks www.ketab.ir/mehrandishbooks



فهرست

۹	یادداشت نویسنده
۱۳	پیشگفتار / ایلز و بتین
۲۵	۱ روز انتخابات
۴۱	۲ برج ترامپ
۷۱	۳ روز اول
۸۷	۴ بتین
۱۰۷	۵ جاروانکا
۱۳۱	۶ خانه
۱۴۷	۷ روسیه
۱۶۷	۸ چارت سازمانی
۱۹۱	۹ سی پک
۲۱۱	۱۰ گلدمن ساکس

۲۲۵	۱۱ ستراچ جمع تلفنی
۲۳۹	۱۲ سوو جیگزینی
۲۵۵	۱۳ بنن آگه ستیر
۲۶۹	۱۴ اتاق کنترول وصاف
۲۸۵	۱۵ رسانه‌ها
۳۰۵	۱۶ کومی
۳۲۱	۱۷ در خارج و در وطن
۳۳۷	۱۸ بازگشت بنن
۳۵۳	۱۹ میکا کی؟
۳۷۱	۲۰ مک مستر و اسکاراموچی
۳۸۹	۲۱ بنن و اسکاراموچی
۴۰۵	۲۲ ژنرال کلی
۴۲۵	مؤخره بنن و ترامپ

یادداشت نویسنده

دلیل نوشتن این کتاب آشکار و مبرهن است. با مراسم تحلیف دونالد ترامپ در بیستم ژانویه ۲۰۱۷ ایالات متحده وارد چشم عجیب‌ترین توفان سیاسی، دست‌کم از زمان واترگیت شد. همین‌که آن روز نزدیک شد، تصمیم گرفتم این داستان را حتی المقدور، شکافی متقارن نقل کنم و سعی کنم زندگی را در کاخ سفید ترامپ از چشم‌های مردمی ببینم، که بیش از دیگران به او نزدیک بودند. اساساً این داستان به عنوان طرحی برآمد روز نخست دولت ترامپ طرح‌ریزی شد، آن سنتی‌ترین روس و روسیه یک رئیس‌جمهور؛ اما اتفاقات، بدون هیچ مکث طبیعی، بیش از دویست روز، سرعت پیش رفت، و پرده، در نخستین بخش ریاست‌جمهوری ترامپ، تنها با انصاف جان کلی^۱، ژنرال بازنشسته، به عنوان رئیس ستاد در اواخر جولای و شروع شدن کی‌بین^۲ سه هفته بعد پایین آمد.

اتفاقاتی که در این صفحات توصیف کرده‌ام، بر اساس گزیده‌هایی است که طی هجده ماه با رئیس‌جمهور، با اکثر اعضای کارمندان او شد.

۱. واترگیت، رسوایی واترگیت به وقایعی گفته می‌شود که میان سال‌های ۷۲ - ۱۹۷۵ در هتلی به همین نام در واشنگتن اتفاق افتاد (شود غیرقانونی تعدادی از مأموران اف‌بی‌آی از ستاد انتخاباتی حزب دموکرات و سرقت برخی اسناد) که منجر به استیضاح و کناره‌گیری ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، شد. (مترجم)
۲. John Francis Kelly، جان فرنسیس کلی، (۱۹۵۰)، پنجمین وزیر امنیت آمریکا و رئیس ستاد کارکنان کاخ

سفید در دولت ترامپ. (مترجم)

۳. Stephen Kevin Bannon، استیون کوین بنن، (۱۹۵۳)، مدیر رسانه‌ای آمریکایی، استراتژیست ارشد و مشاور دونالد ترامپ. (مترجم)

برخی از آن‌ها چندین بار با من صحبت کردند. و با بسیاری از کسانی که به نوبت با آن‌ها صحبت کردم، انجام شد. اولین مصاحبه پیش از آن رخ داد که حتی بتوانم کاخ سفید ترامپ را تصور کنم، چه رسد به اینکه کتابی درباره‌اش بنویسم، یعنی در اواخر ۲۰۱۶ در خانه ترامپ در پورلی هیلز^۱ - در آن زمان ترامپ نامزد ریاست جمهوری بود و مشغول بلعیدن یک ظرف بزرگ بستنی وانیلی هاگن - داز^۲ بود. و سرخوشانه و کاهلانه در مورد یک سری موضوعات اظهار نظر می‌کرد. در حالی که دستیارانش، هوپ هیکس^۳، کوری لواندوسکی^۴، و جرد کوشنر^۵ در اتاق رفت و آمد می‌کردند. گفت‌وگوها با اعضای تیم مبارزه انتخاباتی تا پایان کنوانسیون جمهوری خواه در کلیولند^۶ ادامه یافت که در آن زمان هنوز انتخاب ترامپ در ذهن من نمی‌گنجید. آن‌ها به همراه استیو بن خوش‌سروزیان - که ابتدا، پیش از انتخابات، محرر عجیب و سرگرم‌کننده‌ای می‌مانست و بعداً، پس از انتخابات، بیشتر به یک معرکه در شباهت داشت - به برج ترامپ نقل مکان کردند. کمی پس از بیستم اکتبر، چیزی شبیه به یک صندلی نیمه‌دائم را روی کاناپه‌ای در بال غربی کاخ سفید^۷ ایستادم. از آن موقع تاکنون، بیش از دویست مصاحبه انجام داده‌ام.

در حالی که دولت ترامپ به عنوان سلسله‌ای امنیتی رفتاری خصمانه نسبت به مطبوعات اتخاذ کرده است، در عین حال بیش از هر دوره‌ای در کاخ سفید در

1. Beverly Hills.

2. Häagen-D.

۳. Hope Charlotte Hicks، هوپ شارلوت هیکس، (۱۹۸۸)، مدل زیباروی بر روی میز، قدیمی‌ترین دستیار سیاسی دونالد ترامپ و مدیر ارتباطات استراتژیک کاخ سفید. (مترجم)

۴. Corey R. Lewandowski، کوری لواندوسکی، (۱۹۷۳)، فعال سیاسی آمریکایی، مفسر سیاسی سی‌سی‌ان، یک شبکه خبری آمریکایی و فاکس نیوز. (مترجم)

۵. Jared Corey Kushner، جرد کوری کوشنر، (۱۹۸۱)، تاجر، سرمایه‌گذار، ناشر آمریکایی، مشاور و داماد دونالد ترامپ. (مترجم)

6. Republican Convention in Cleveland.

۷. West Wing، بال غربی کاخ سفید یا ساختمان دفتر اجرایی^۱ دفتر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را در خود جای داده است که شامل دفتر بیضی، اتاق کابینه، اتاق وضعیت و اتاق روزولت است. دفتر رئیس‌ستاد کارکنان کاخ سفید، مشاور رئیس‌جمهور، مشاور ارشد، دبیر مطبوعاتی و معاون رئیس‌جمهور نیز در این ساختمان است. (مترجم)

خاطره معاصر نسبت به رسانه‌ها روی خوش نشان داده است. در ابتدا من در پی سطحی از دسترسی رسمی به این کاخ سفید بودم، چیزی شبیه مستندسازی واقعی به سبک مگس روی دیوار. خود رئیس‌جمهور این ایده را تشویق می‌کرد؛ اما با توجه به تیول‌های بسیار در کاخ سفید ترامپ که از همان نخستین روزهای دولت آشکارا وارد کشمکش شدند، ظاهراً هیچ‌کس قادر نبود این فکر را جامه عمل پوشاند. به همان میزان، کسی هم نبود که بگوید: «گم شو.» از این رو، من بیش از آنکه مهمان دعوت‌شده باشم، یک فضول دانه‌ی بودم - چیزی کاملاً شبیه به یک مگس واقعی روی دیوار - هیچ قانونی را نپذیرفته بودم و درباره‌ی اینکه چه بنویسم یا ن‌نویسم، هیچ‌قولی نداده بودم.

بسیاری از نویسندگان با از آنچه در کاخ سفید ترامپ رخ داده است با یکدیگر تناقض دارند؛ بسیاری به سبک ترامپی، به طرز عربانی، نادرست هستند. این تناقض‌ها و آن عدم انسجام با حقیقت، اگر نه با خود حقیقت، ریسمان اساسی این کتاب را تشکیل می‌دهند. بعضی اوقات به بازیگران اجازه داده‌ام روایت خود را ارائه دهند و به‌نوبت به خواننده اجازه داده‌ام آن‌ها را قضاوت کند. در برخی موارد از طریق نوعی انسجام در روایت‌ها و از طریق مناسباتی که به آن‌ها اعتماد کرده‌ام، به روایتی از حوادث دست‌یافته‌ام که باور دارم درست است.

برخی از منابع با من بر اساس به‌اصطلاح اطلاعات ثانویه صحبت کردند، نوعی قرارداد در کتاب‌های سیاسی معاصر که به تدریج ناگفته از اتفاقات اجازه می‌دهد که توسط شاهدهی بی‌نام در اختیار آن‌ها قرار گیرد. همچنین به مصاحبه‌های غیررسمی اتکا کرده‌ام و به منبعی اجازه دادم تا نقل قولی مستقیم ارائه دهد، با این درک که این نقل‌قول برای نسبت دادن به شخص خاصی نیست. منابع دیگر با این درک با من صحبت کردند که مطالب مصاحبه‌ها تا زمان انتشار کتاب افشا نخواهد شد. سرانجام نیز برخی از منابع به‌صورت مستقیم و بی‌پرده با من صحبت کردند.

در عین حال لازم به ذکر است که برخی از معضلات روزنامه‌نگاری که هنگام

ارتباط با دولت ترامپ با آن مواجه شده‌ام، بسیاری از آن‌ها نتیجه عدم فرایند رسمی کاخ سفید و بی‌تجربگی مدیران آن بود. این چالش‌ها شامل مطالب غیررسمی یا ناگفته بود که بعداً به‌طور تصادفی فاش گردید؛ منابعی که به‌صورت محرمانه روایت‌هایی ارائه می‌دادند و سرانجام آن‌ها را به‌صورت گسترده با دیگران به اشتراک می‌گذاشتند، گویی آن‌ها با نخستین بیان^۱ آزاد می‌شدند؛ بی‌توجهی مکرر به نیاز دادن هرگونه شاخص برای استفاده از یک گفت‌وگو؛ دیدگاه‌های یک منبع ناشناخته معروف است و به‌طور گسترده به اشتراک گذاشته شده که خنده‌دار بود اگر نمی‌دانستیم که آن‌ها آمده نمی‌شد؛ و اشتراک تقریباً سامیزداتی^۲ یا بازگویی حیرت‌انگیز گفت‌وگوهای خصوصی و پنهان؛ و در تمام این داستان^۳ صدای مهارنشده، خستگی‌ناپذیر و انمی رئیس‌جمهور به گوش می‌رسد، خصوصی یا عمومی که دیگران هرروزه آن را باهم اشتراک می‌گذارند یا گاهی در حقیقت وقتی ترامپ آن را بیان می‌کند.

به هر دلیل^۴ تقریباً تمام کسانی که با آن‌ها تماس گرفته‌ام - اعضای ارشد کارمندان کاخ سفید و همین‌طور این وفاداران - زمان زیادی را با من صرف کردند و تلاش زیادی کردند تا ماهیت یگانگی زندگی درون کاخ سفید ترامپ را روشن کنند. در پایان^۵ آنچه شاهد بودم و آنچه این کتاب از آن سخن می‌گوید، گروهی از کسانی است که هریک به‌نوبه خود تلاش کرده‌اند تا با معنای کار کردن برای دونالد ترامپ کنار بیایند.

دین بزرگی از آن‌ها به گردن من است.

پیشگفتار

ایلز و بین

غروبِ ساعت شش و نیم شروع شد، اما استیون بین که ناگهان در میان قدرتمندترین مردان جهان قرار گرفته بود، و حالا کمتر و کمتر به محدودیت‌های زمانی اهمیت می‌داد، دیر رسید.

بین قول داده بود به بین صرافت شام کوچک که دوستان مشترک در یک خانه شهری در گرینویچ ویلیج^۱ ترتیب داده بودند بیاید تا با راجر ایلز^۲، رئیس سابق فاکس نیوز^۳ و مهم‌ترین شخصیت در رسانه‌های راست‌گرا و پیشکسوت سابق او ملاقات کند. روز بعد، چهارم ژانویه ۲۰۱۷ - کمی بیش از دو هفته پیش از مراسم تحلیف دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا - ایلز برای بازنشستگی اجباری عازم پالم بیچ^۴ می‌شد و البته میدوا بود موقتی باشد.

برف تهدیدکننده بود و برای مدت کوتاهی برگری میانه شام با شک و تردید همراه بود. ایلز هفتادوشش ساله، با سابقه‌ای طوفانی از درد^۵ و کیل، به‌سختی راه می‌رفت و همراه همسرش^۶ پث از خانه مجللش در سادس^۶ به سمت

۱. Greenwich Village، محله‌ای مسکونی در غرب پایین منهتن در نیویورک سیتی.

۲. Roger Eugene Ailes، راجر یوجین ایلز، (۱۹۴۰-۲۰۱۷)، مدیر تلویزیونی آمریکایی، مدیرعامل ارشد

فاکس نیوز و مشاور رسانه‌ای رؤسای جمهور آمریکا. (مترجم)

۳. Fox News، شبکه خبری کابلی و ماهواره‌ای آمریکایی. (مترجم)

۴. Palm Beach.

۵. Beth.

۶. Hudson.

می‌آمد و از خیابان‌های لغزنده بیمناک بود؛ اما ایلز در عین حال مشتاق بود بنن را ملاقات کند. الکساندرا پريت^۱، دستیار بنن، مرتب در مورد پیشرفت بنن از طریق پیامک^۲ خبرهای تازه را می‌رساند که داشت خود را از برج ترامپ^۳ رها می‌کرد.

در حالی که آن گروه کوچک منتظر بنن بودند، غروب ایلز بود. ایلز مثل هر کسی دیگری از پیروزی دوست قدیمی‌اش، دونالد ترامپ، مبهوت شده بود و این گردهمایی را به شکل یک نیمچه هم‌اندیشی در مورد ماهیت تصادفی و پوچی سیاست ترتیب داده بود. قبل از اینکه در سال ۱۹۹۶ فاکس نیوز راه‌اندازی کند، ایلز مدت سی سال جزو عوامل مهم سیاسی در حزب جمهوری‌خواه^۴ به حساب می‌آمد. در این انتخابات شگفت‌زده شده بود، ولی به سختی می‌توانست دلایل این انتخاب را از نیکسون تا ترامپ درک کند. می‌گفت مطمئن نیست خود ترامپ، که گاهی جمهوری‌خواه بود، گاهی مستقل و گاهی دموکرات، از این انتخاب سر در آورد؛ اما خبری که به خوبی ترامپ را می‌شناسد و مشتاق بود به او پیشنهاد کمک کند. همچنین مشتاق بود به رسانه‌های راست‌گرا برگردد و با انرژی تمام برخی از امکانات راه‌اندازی یک شبکه کابلی جدید، با سرمایه یک میلیارد دلار یا بیشتر را، توصیف کرد.

ایلز و بنن هر دو خود را دانشجوی تاریخ می‌دانستند، هر دو خودآموخته‌هایی بودند که طرفدار نظریه‌های میدانی جهانی بودند. آن‌ها این مسئله را به شکل جاذبه می‌دیدند. هر دو رابطه شخصی با تاریخ داشتند و هر دو با دونالد ترامپ.

اما ایلز حالا، برخلاف میلش، می‌فهمید که دست کم در حال حاضر دارد مشعل راست‌گراها را به دست بنن می‌سپرد. این مشعلی بود که آن‌ها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ فروزان بود. فاکس نیوز ایلز با یک و نیم میلیارد دلار درآمد سیانه دهه‌ها بر سیاست‌های حزب جمهوری‌خواه تسلط یافته بود. حالا برایتبارت نیوز^۴ بنن با تنها

۱. Alexandra Preate.

۲. Trump Tower، برج ترامپ، نام برجی ۵۸ طبقه است در خیابان پنجم منهن در شهر نیویورک است. (مترجم)

۳. Republican Party.

۴. Breitbart News، وبسایت خبری و نظری آمریکایی که در سال ۲۰۰۷ توسط اندرو برایتبارت، کارآفرین و

یک و نیم میلیون دلار درآمد سالانه مدعی بود همان نقش را ایفا می‌کند. به مدت سی سال^۱ ایلز - که تا همین تازگی قدرتمندترین شخص در سیاست محافظه‌کار بود - با دونالد ترامپ کنار آمده بود و او را تحمل کرده بود، اما سرانجام، بن و بربارت او را انتخاب کرده بودند.

شش ماه قبل، وقتی پیروزی ترامپ هنوز ظاهراً ورای قلمرو احتمالات بود، ایلز متهم به آزار جنسی شده بود و در اقدامی مهندسی شده از سوی فرزندان لیبرال روبرت م. «کی» هشتاد و پنج ساله محافظه‌کار از فاکس نیوز اخراج شده بود. مرداک^۲ سهامدار اصلی فاکس نیوز و پر قدرت‌ترین صاحب رسانه قرن است. سقوط ایلز سبب شادی اروان درین‌ها شد: بزرگ‌ترین لولوخور خوره محافظه‌کار در سیاست امروز توسط سه رهبر جدید اجتماعی برکنار شده بود. سپس ترامپ که حدود سه ماه بعد متهم به افتاد غیر اخلاقی و مفسدانه شده بود، به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب گردید.

ایلز از خیلی از چیزهای ترامپ خوشش می‌آمد: مهارت او در فروش، هنرش به عنوان شومن و شایعه. حس ششم ترامپ را برای بازار به شکل عامش تحسین می‌کرد - یا دست‌کم پیگیری و سرسختی او را در تلاش‌های بی‌امانش برای اینکه بازار را به دست گیرد. از بازی ترامپ خوشش می‌آمد. بی‌شرمی و تأثیرش را دوست داشت. ایلز بعد از اولین مناظره ترامپ با هیلاری کلینتون^۳ به دوستی گفته بود: «دونالد همین‌طور جلو می‌ره. توی سرش هم بزنی از می‌ره جلو. حتی نمی‌فهمه که تو سرش زده‌ای.»

اما ایلز باور داشت که ترامپ هیچ صبغه یا باور سیاسی ندارد. این واقعیت که ترامپ تجسم نهایی مرد خشمگین فاکس نیوز شده بود، نشانه‌ای دیگر بود که ما

صاحب‌نظر محافظه‌کار، تأسیس شد. (مترجم)

۱. Keith Rupert Murdoch. کیت روبرت مرداک (مرداخ)، (۱۹۳۱-). سرمایه‌دار آمریکایی - استرالیایی و سهامدار اصلی شرکت نیوز کورپوریشن. (مترجم)

2. Hillary Clinton.

در دنیایی وارونه زندگی می‌کنیم. کسی را دست انداخته بودند و ایلز خیال می‌کرد او را دست انداخته‌اند.

اما ایلز برای دهه‌ها سیاستمداران را زیر نظر داشت و در حرفه طولانی‌مدتش هر نوع و مدل از سبک و ترکیب و اداطوار و نامردی و دیوانگی را به چشم دیده بود. کارگزاری مثل خود او - و حالا مثل بین - با هر جور آدمی کار می‌کردند. این راه‌ل‌های از نوع همزیستی مغایر و درعین حال به هم وابسته بود. سیاستمداران در اختیار پیچیده‌سازمانی علم‌دار بودند. کارگزاران بازی را بلد بودند و اکثر نامزدها و مسئولین نیز همین‌طور. ایلز مطمئن بود که ترامپ بازی را بلد نیست. ترامپ بی‌انضباط بود - ظرفیت هیچ نقشه‌بازی‌ای را نداشت. نمی‌توانست بخشی از یک سازمان باشد و او امکان نداشت بتواند هیچ برنامه یا اصولی را بپذیرد. از نظر ایلز او فقط «دونالد» بود - زری‌دلی از این توضیحی لازم نبود.

در اوایل ماه اوت، سمت تاریک ماه پس‌ازاینکه ایلز از فاکس نیوز اخراج شد، ترامپ از دوست قدیمی‌اش خواست مدیریت مبارزه تبلیغاتی پرهیاهوی او را بر عهده بگیرد. ایلز که می‌دانست ترامپ بی‌ش نمی‌خواهد کسی نصیحتش کند یا حتی حاضر نبود به نصیحت کسی گوش کند، پیشنهاد او را رد کرد. یک هفته بعد بین این مسئولیت را به عهده گرفت.

پس از پیروزی ترامپ ایلز ظاهراً افسوس می‌خورد که از این فرصت استفاده نکرده بود و مسئولیت مبارزه تبلیغاتی دوستش را با ناامیزی پذیرفته بود و پیشنهاد ترامپ ناگهان به فرصتی غایی تبدیل شده بود. ایلز فهمید که به قدرت رسیدن ترامپ پیروزی ناممکن بسیاری از چیزهایی بود که ایلز و فاکس نیوز نشان داده بودند. نباید فراموش کرد که ایلز شاید شخصی بود که بیش از همه مسئول رها کردن جریان‌ات مرد خشمگین پیروزی ترامپ بود؛ او رسانه‌راست‌گرا را به وجود آورده بود که از شخصیت ترامپ لذت می‌برد.

ایلز که عضوی از جرگه نزدیک دوستان و مشاورانی بود که ترامپ اغلب با آن‌ها حشرونشر داشت، هنوز امیدوار بود که وقتی با همسرش پمپ به پالم بیچ

نقل مکان کند، بتواند از فرصت و زمان بیشتری با رئیس جمهور جدید برخوردار شود؛ می دانست که ترامپ قصد داشت به طور مرتب به مار-نه-لاگو،^۱ پایین جاده خانه جدید ایلز، سفر کند؛ اما هرچند ایلز به خوبی آگاه بود که برنده شدن در سیاست همه چیز را دگرگون می کند - برنده، برنده است - نمی توانست از این واقعیت عجیب و غریب و نامحتمل سر درآورد که دوستش دونالد ترامپ حالا رئیس جمهور آمریکا بود.

ساعت نه و نیم، سه ساعت دیرتر، بخش زیادی از شام خورده شده بود و بنن بالاخره از راه رسید. کت اسپرت چروکی به تن داشت، با دو پیراهن همیشگی و لباس نظامی و - درست تر - سرشیده؛ مرد سنگین وزن شصت و سه ساله در کنار میز به دیگران ملحق شد و بورا بنان^۲ کنگو را به دست گرفت. لیوان شرابی را که به او تعارف کردند، کنار زد و گفت: «نی خورم.» و یکسره وارد بحثی زنده شد، دانلود فوری اطلاعات در مورد دنیایی که قرار بود کنترل آن را بر عهده بگیرد.

در مورد انتخاب اعضای کابینه^۳ و در کشوری به سبک دهه پنجاه گفت: «می خواهیم فوراً دست به کار شویم تا بتوانیم برای هفت روز آینده از طریق جلسه استماع و گزینش^۴ تمام اعضای کابینه را انتخاب کنیم. تیلرسون^۵ دو روز می برد، سیشنز^۶ دو روز می برد، متیس^۷ دو روز می برد...»

نظر بنن از متیس «سگ دیوانه» برگشت - ژنرال چهار ستاره بازنشسته ای که ترامپ به عنوان وزیر دفاع پیشنهاد کرده بود - و به بحثی طولانی سره ردد شکنجه، لیبرالسم تعجب آور ژنرال ها و حماقت کاغذبازی نظامی - غیرنظامی پرداخت.

۱. Mar-a-Lago.

۲. Rex Wayne Tillerson, رکز تیلرسون، (۱۹۵۲)، سیاست مدار، سرمایه دار، مدیر اجرایی دومین شرکت بزرگ نفتی جهان و شصت و نهمین وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا. (مترجم)

۳. Jefferson Beauregard Sessions III, جفرسن بیورگارد «جف» سیشنز سوم، (۱۹۴۶)، سیاست مدار آمریکایی، هشتاد و چهارمین دادستان کل ایالات متحده آمریکا و از اولین حامیان کمپین ریاست جمهوری دونالد ترامپ. (مترجم)

۴. James Norman Mattis, جیمز متیس، (۱۹۵۰)، بیست و ششمین وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا. (مترجم)

بعد در مورد انتصاب احتمالی مایکل فلین^۱ صحبت کرد - ژنرال سوگلی ترامپ که در بسیاری از گردهمایی‌های ترامپ به عنوان مشاور امنیت ملی حضور داشت. «آدم خوبیه. جیم متیس نیست و جان کلی هم نیست ... اما خوبه. فقط باید آدم‌های درست و حسابی دور و برش باشند.» و قویاً گفت: «وقتی تمام آدم‌های غیرترامپی را که تمام آن نامه‌ها را امضا کردند، از سر راه برمی دارید، و تمام آن نومحافظه‌کارهایی که ما را وارد این جنگ‌ها کردند ... می‌بینید که لیست نامبالایی نیست.»

بنن گفت سعی کرده جان بولتون^۲، دیپلمات معروف جنگ طلب را برای سمنی به عنوان مشاور امنیت ملی پیشنهاد کند. بولتون سوگلی ایلز نیز بود. ایلز گفت: «این یک جنگ افروز است؛ و یک عوضی حقیر عجیب و غریب؛ اما به اون احیاً دارم. چه کسی دیگری با اسرائیل خوب است؟ فلین در مورد ایران یک کم خل باری دمی آید. تیلرسون - نامزد پست وزیر امور خارجه - فقط از نفت سر درمی آورد.»

بنن با بیزاری گفت: «مشکلات این بولتون است. به نظر ترامپ او آدم به درد بخوری نیست. می‌دانید بولتون خنده دماغ است.» «خب، شایعه شده که اون یک شب وقتی در تلی دنبال زنی افتاد و دعوایش شد، حسابی گرفتار شد.» «اگه اینو به ترامپ بگم، ممکنه این سمت را به دست یاره.»

بنن به طرز عجیبی این توانایی را داشت که ترامپ را بپذیرد و در میان حال تلویحاً می‌گفت او را خیلی جدی نمی‌گیرد. برای نخستین بار در سال ۲۰۱۷ گهگاه با این نامزد ریاست جمهوری ملاقات کرده بود؛ در جلسه‌ای در برج ترامپ، بنن به ترامپ پیشنهاد کرده بود که نیم میلیون دلار هزینه کند و از نامزدهایی به سبک

۱. Michael Thomas Flynn، مایکل تی. فلین، (۱۹۵۸-). سپهبد بازنشسته نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا، مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ، (مترجم)

۲. John Robert Bolton، جان آر. بولتون، (۱۹۴۸-). وکیل و دیپلمات آمریکایی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، از صاحب نظران فاکس نیوز و مشاور برجسته امنیتی، (مترجم)

تی پارتی^۱ حمایت کند تا به این طریق بتواند به جاه طلبی خود برای منصب ریاست جمهوری نزدیک تر شود. بنن جلسه را ترک کرد و فهمید که ترامپ هرگز چنین پولی را نمی دهد. او فقط بازیگر جدی ای نبود. بین آن برخورد و اواسط ماه اوت ۲۰۱۶، وقتی مبارزه تبلیغاتی ترامپ را بر عهده گرفت، پس از چند مصاحبه که با ترامپ برای شوی رادیویی برایتبارت انجام داده بود، نسبتاً مطمئن بود که بیشتر از یک گنت وگوی دوفرة ده دقیقه ای با ترامپ وقت نگذرانده است.

اما بالا زمان شکوه بنن فرارسیده بود. در همه جا حسی ناگهانی از عدم اعتدال به نفس جهانی وجود داشت. برکسیت^۲ در انگلستان، موج مهاجرانی که به سواحل شمالی اروپا سرازیر می شدند، محرومیت طبقه کارگر از حق رأی، شیخ روس. نتایج بیشتر، برنی سندرز^۳ با سیاست لیبرالیسم بازپس گیری زمین های از دست رفته - همه - جهش به عقب بود. حتی متعهدترین طرفداران جهانی شدن مردد بودند. با این داشت که عده بسیاری از مردم ناگهان پذیرای پیامی جدید شده بودند: دنیا باز به مرز دارد - یا جهان باید به زمانی برگردد که مرز داشت؛ یعنی وقتی آمریکا بزرگ بود - سکویی برای آن پیام شد.

تا غروب آن ژانویه بنن نزدیک به پنج ماه در دیای دونالد ترامپ فرو رفته بود؛ و اگرچه او فهرست بزرگی از ویژگی های ترامپ را جمع کرده بود و دلیل کافی برای رفتار غیرقابل پیش بینی رئیسش و دیدگاه های او پیدا کرده بود، این مسئله از گرایش فوق العاده و عجیب ترامپ نسبت به جناح راست، تی پارتی، پایگاه های بررسی پدیده های اینترنتی و حالا که به پیروزی دست یافته بود، از فاسیسم به استیو بنن می داد چیزی کم نکرد.

۱. Tea Party movement، جنبش تی پارتی یا جنبش اعتراض جای، یک جنبش سیاسی آمریکایی ست که از کاستن مخارج اضافی و مالیات ها، کاهش کسر بودجه و بدهی ملی آمریکا و همچنین تبعیت از قانون اساسی آمریکا حمایت می کند. وجه تسمیه این جنبش 'حرکت اعتراضی مستعمره نشینان آمریکایی در سال ۱۷۷۳ در مهمانی چای بوستون، اعتراض علیه انحصار بریتانیا و کمپانی هند شرقی بر واردات چای به ایالات متحده آمریکا، بوده است. (مترجم)

۲. Brexit، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا. (مترجم)

۳. Bernie Sanders، سناتور ایالت ورمونت در مجلس سنای آمریکا. (مترجم)

ایلز ناگهان پرسید: «آیا او متوجه این مسئله هست؟» مکثی کرد و به دقت به بنن نگریست.

منظورش این بود که آیا ترامپ متوجه موضوع هست. این ظاهراً مسئله‌ای در مورد برنامه کاری جناح راست بود: آیا این میلیاردی خانم باز واقعاً می‌توانست آرمان‌های طبقه کارگر را درک کند؟ اما این احتمالاً پرسشی صریح در مورد ماهیت قدرت بود. آیا ترامپ جایگاهی که تاریخ او را در آنجا قرار داده، می‌فهمید؟ بن جرعه‌ای آب نوشید و پس از مکثی شاید طولانی گفت: «می‌فهمد. و یا آنچه را می‌خواهد، می‌فهمد.»

ایلز ناگهان در نیمرخ انداخت و کماکان به او خیره شد، گویی منتظر بود بنن کارت‌های پشت رو کند.

بنن گفت: «وا.ا. او'ا.ب به مشروب نمی‌زند. برنامه‌اش این است.» موضوع را از خود ترامپ مبرا کرد. به برنامه ترامپ اشاره کرد و گفت: «روز اول، سفارت آمریکا را به اورلیم نقل می‌کنیم. نتانیاهو کاملاً موافق این تصمیم است. شلدون - شلدون ادلسر - با زردر کازینو، مدافع راست‌گرای اسرائیل و حامی ترامپ - کاملاً موافق است. می‌فهمیم این کار به کجا می‌رویم.» ایلز بدبین گفت: «آیا دونالد می‌داند؟»

بنن لبخند زد - گویی چشمکی زد و ادامه داد: «آنها اوردن کرانه باختری را بگیرد، بگذاریم مصر غزه را بگیرد. بگذاریم آن‌ها این مسئله بپردازند. یا در تلاش در این کار غرق شوند. سعودی‌ها آماده هستند، مصری‌ها آماده هستند، تا سرحد مرگ از ایران هراس دارند ... یمن، سینا، لیبی ... این مسئله بد است ... به همین دلیل روسیه تا این حد مهم است ... آیا روسیه تا این حد بد است؟ آن‌ها آدم‌های بدی هستند. اما دنیا پر از آدم‌های بد است.»

۱. Sheldon Gary Adelson, (۱۹۳۳-), سرمایه‌دار یهودی آمریکایی و یکی از ثروتمندترین سرمایه‌داران جهان. بسیاری از هتل‌ها، سالن‌های گردهمایی، کازینوها در سرتاسر جهان، من جمله در لاس‌وگاس، چین و سنگاپور متعلق به اوست. (مترجم)

بنن تمام این حرف‌ها را با نوعی سرخوشی می‌گفت - مردی که داشت دنیا را بازسازی می‌کرد.

اینلز گفت: «اما این خوب است که بدانیم آدم‌های بد، آدم‌های بداند.» و با اصرار به بنن گفت: «دونالد شاید نداند.»

بنن عقل کل که مراقب بود خیلی از ترامپ دفاع نکند یا به‌کلی به او بی‌احتمالی نکند، گفت: دشمن واقعی چین است. چین در جنگ سرد جدید نخستین تهدید محسوب می‌شود. و در سال‌های تصدی او با ما تمام این مسئله اشتباهی همیده شده بود - آنچه را فکر می‌کردیم می‌فهمیم اصلاً نمی‌فهمیدیم. این شکست دست‌انداخته‌ها، اطلاعاتی آمریکا بود. بنن بدون توجه به رئیس‌اف‌بی‌آی و رئیس سیا گفت: «به نظر من کومی^۱ یک آدم درجه سه و برنان^۲ یک آدم درجه دو است.»

«در حال حاضر کانگ سفید^۳ کاخ سفید جانسون^۴ در سال ۱۹۶۸ است. سوزان رایس^۵ - مشاور امنیت ملی ایالات - مبارزه علیه داعش را به‌عنوان مشاور امنیت ملی اداره می‌کند. آن‌ها اهداف انتخاب می‌کنند، او حملات پهپادها را انتخاب می‌کند. منظورم این است که آن‌ها جنگ را با همان کارایی انجام می‌دهند که جانسون در سال شصت و هشت انجام داد. ما اگر به‌کلی از تمامی این ماجرا دور است. سازمان‌های اطلاعاتی به‌کلی از این ما-ا دور هستند. رسانه‌ها او با ما را مبرا می‌کنند. اگر ایدئولوژی را از این مسئله کنار بگذاریم، این یک دوران کاملاً غیرحرفه‌ای و ناشیانه است. هیچ‌کس در کنگره آمریکا او را نمی‌شناسد، هیچ سرمایه‌داری او را نمی‌شناسد - او چه به دست آورده؟ چه کار می‌کند؟»

۱. James Brien Comey Jr.، جیمز کومی، (- ۱۹۶۰)، اداره‌کننده سابق اف‌بی‌آی و قائم مقام دادستان کل در دولت جورج دابلیو بوش. (مترجم)

۲. John Owen Brennan، جان برنان، (- ۱۹۵۵)، سیاست‌مدار آمریکایی و رئیس سابق سازمان اطلاعات آمریکا. (مترجم)

۳. Lyndon Baines Johnson، لیندون بی. جانسون، (۱۹۷۳-۱۹۰۸)، سی و هشتمین رئیس‌جمهور آمریکا. (مترجم)

4. Susan Rice

ایلز حالا با این درک واضح که بن پیشاپیش ولی نعمتش حرکت می‌کرد، گفت: «جایگاه دونالد در این میان چیست؟»

«او کاملاً سوار کار است.»

«حواسش جمع است؟»

«این را باور دارد.»

ایلز خوش خیال گفت: «من خیلی به دونالد فکر نمی‌کنم.»

بن با خشم گفت: «خیلی یا کم - لزوماً اوضاع را تغییر نمی‌دهد.»

ایلز به امرار گفت: «اصلاً او با روس‌ها چه کار دارد؟»

بن دست به روتع رفت به روسیه و فکر می‌کرد بتواند با پوتین ملاقات کند.

اما پوتین او را به هیچ‌جا نرساند. این است که هنوز تلاش می‌کند.

ایلز گفت: «دونالد دانه‌ها»

بن که به ترامپ مثل یک رجوی شگفت‌انگیز طبیعی، و رای توضیح، احترام می‌گذاشت گفت: «این مسئله درست است یا نه؟»

دوباره، انگار که می‌خواست مسئله ترامپ را کنار بگذارد - فقط به‌عنوان حضوری ویژه و بزرگ برای هردو که قدرداران باشند و پایبند - بن در نقشی که برای خود به‌عنوان سازنده ریاست جمهوری ترامپ در نظر می‌گرفت، با غضب گفت: «چین همه‌چیز است. هیچ چیز دیگری مهم نیست. اگر چین را درست نکنیم، هیچ چیز را نمی‌توانیم درست کنیم. تمام مسئله بسیار ساده است. چین اکنون درجایی قرار دارد که آلمان نازی در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰ قرار داشت. چینی‌ها مثل آلمانی‌ها معقول‌ترین مردم دنیا هستند، البته تا زمانی که معقول نباشند. و می‌خواهند مثل آلمانی‌ها در دهه شصت از فرصت استفاده کنند. به‌زودی یک دولت فرانسوئالیستی خواهید داشت و وقتی این اتفاق بیفتد، دیگر نمی‌توانید غول جادو را به چراغش برگردانید.»

ایلز با حالتی تصنعی گفت: «دونالد ممکن نیست مثل نیکسون در چین

باشد.» منظورش این بود که برای ترامپ به تن کردن ردای تحول جهانی می توانست به هرگونه زودباوری آسیب برساند.

بنن لبخندی زد و با تکبر زیاد و طمطراقی عجیب گفت: «بنن در چین.» ایلز پرسید: «حال اون بچه چگونه؟» و منظورش جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد ترامپ، بود.

بن گفت: «اون همکار منه.» لحنش نشان می داد که اگر احساسی جز این داشت، روحش روشن و خط مشی سیاسی اش نمی ماند.

ایلز با ظن و تردید گفت: «جدی؟»

«اون با یم منه.»

«اون که یا مار یا پرت مرذاکه.»

بنن گفت: «راستش می خستم اینجا از کمک تو استفاده کنم.» بعد بنن چند دقیقه ای سعی کرد ایلز را به کار گیرد و مرداک را به زانو در آورد. ایلز از زمانی که از فاکس نیز اخراج شده بود، نسبت به مرداک کینه بیشتری به دل گرفته بود. مرداک هم حالا اغلب به رئیس جمعه منتخب فشار می آورد و او را تشویق می کرد به سوی اعتدال حکومتی پیش برود. که همین هم نوعی وارونگی در جریانات عجیب سیاست های محافظه کاران آمریکا بود. بنن ایلز می خواست به ترامپ، مردی با اختلالات عصبی و من جمله وحشت فراموشی و زحیفی، خاطر نشان کند که مرداک ممکن است بازنده میدان باشد.

ایلز گفت: «بهش زنگ می زنم. اما ترامپ ممکن است به خاطر روپرت به چالش های زیادی دست بزند. درست مثل کاری که برای برین کرد. با خفت و خواری تملقش را بکند و ترکمون بزند. فقط نگران اینم که کی سی را گول می زند.»

استاد پیرتر رسانه راست گرا و استاد جوان تر (هرچند خیلی هم جوان تر نبود) تا ساعت دوازده ونیم به صحبت هایشان ادامه دادند و مهمان ها را سر کیف آوردند، در حالی که استاد پیرتر تلاش می کرد به ماهیت معمای ملی جدید که ترامپ بود،

پی ببرد - هرچند ایلز می گفت درواقع رفتار ترامپ همیشه قابل پیش بینی ست - و آن جوان تر ظاهراً مصمم بود که سرنوشت خود را تباه نکند.

بنن با حالت تأیید گفت: «دونالد ترامپ متوجه مطلب هست. اون ترامپه، اما می فهمه. ترامپ، ترامپه.»

ایلز با حالتی از ناباوری گفت: «بله، اون ترامپه.»